

۹۲

آینه

راه های ارتباطی ما : @basfum . @nashraeeneh

Aeeneh Mag at Ferdowsi University Of Mashhad

دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و صنفی آئینه
صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره مجوز: ۹۷۳۶۲۰
شماره ۹۲ ام، نیمه دوم فروردین ۱۳۹۸



مردم غریبه نیستند

صفحه ۶



پادکست صدای دانشجو

صفحه ۸

انتخابات سوری



صفحه ۲



ساخت این فیلم جرم بود

صفحه ۸

روحانیت بدون روتوش



صفحه ۴ و ۵

انتخابات شورای

قسمتی از متن

رد پای جریان‌های وابسته به خارج از دانشگاه به شکلی مشهود و محسوس در سرتاسر دانشگاه دیده می‌شود و این در حالی است که حراست و شورای فرهنگی دانشگاه به جای شناسایی و برخورد با این افراد وابسته و مسئله دار، به سرکوب و کنار گذاشتن دانشجویان دغدغه‌مند روی آورده‌است

سینا نصیری

علوم سیاسی ۹۷



شدت رد صلاحیت‌ها به گونه‌ای بود که در برخی انجمن‌ها تعداد نامزدها به حد نصاب نرسید و دانشگاه انحلال این انجمن‌ها را اعلام کرد. در حالی که آیین‌نامه تصریح می‌کند در صورت بروز چنین موردی، انجمن نیاز به طی کردن مجدد مسیر اخذ مجوز فعالیت را دارد و این به معنای انحلال نیست. انجمن‌های مهندسی کامپیوتر، مکانیک بیوسیستم، طراحی دیجیتال، Efc، بازی‌های رایانه‌ای، مهندسی هوافضا، مهندسی برق و مهندسی صنایع از جمله‌ی این انجمن‌ها بودند.

اما فارغ از بحث ظاهر و چارچوب عمل شده در انتخابات، حضور محسوس برخی جریان‌ها خارج از دانشگاه در بطن برخی از تشکلات دانشجویی است. جناح‌های سیاسی و احزاب محلی نقش بسیاری در این دوره‌ی انتخابات داشتند. در بسیاری از انجمن‌ها، لیست‌های ائتلافی وابستگی عمیقی به این جریان‌ها داشتند. اعضای زیادی از این لیست‌ها در تهران و در دفاتر گروه‌های سیاسی و مدتی خارج از آموزش عالی مشخص شده‌اند و برخی از این ائتلاف‌ها، حمایت‌های مالی نیز دریافت کرده‌اند. رد پای جریان‌های وابسته به خارج از دانشگاه به شکلی مشهود و محسوس در سرتاسر دانشگاه دیده می‌شود و این در حالی است که حراست و شورای فرهنگی دانشگاه به جای شناسایی و برخورد با این افراد وابسته و مسئله‌دار، به سرکوب و کنار گذاشتن دانشجویان دغدغه‌مند روی آورده‌است. به نظر می‌رسد دانشگاه در ایجاد معیارها و ملاک‌های خود دچار انحراف و اشتباه سهوی شده است. سمپات‌ها و نفوذی‌ها پس از حضور در برخی از تشکلات سیاسی و کانون‌های فرهنگی و هنری حال موفق شده‌اند پا به عرصه‌ی انجمن‌های علمی بگذارند و به لطف اشتباهات و کوتاهی‌های دانشگاه، لابی و قدرت زیادی در داخل دانشگاه پیدا کرده‌اند و توانسته‌اند در گستره‌ی زیادی از دانشگاه، دانشجویان دغدغه‌مند و مستقل و متعهد را کنار بگذارند و اجازه‌ی هیچ عرض اندامی به آن‌ها ندهند. خطر بهره‌وری سیاسی و امنیتی، به شدت انجمن‌های علمی را تهدید می‌کند و این امر، اصلاح رفتار دانشگاه را می‌طلبد. به نظر می‌آید ورود دستگاه‌های امنیتی خارج از دانشگاه برای شناسایی این سمپات‌ها، سرپل‌ها و نفوذی‌ها امری ضروری باشد.

انتخابات انجمن‌های علمی دانشجویی دانشگاه با حواشی و تخلفات عجیب و بدیع همراه بود. در سرتاسر این حواشی و تخلفات هم پای دانشگاه، دانشجویان و هم پای جریان‌ها خارج از دانشگاه در میان است. ریشه و عقبه‌ی این مباحث بسیار فراتر و عمیق‌تر و قدیمی‌تر از بحث انتخابات و انجمن‌های علمی می‌باشد اما این دلیل نمی‌شود همین ظواهر و اتفاقات دم دست را نادیده گرفت. دانشگاه فردوسی دیرینه‌ترین انتخابات علمی دانشگاه مازندران در ۱۹ اسفند، با هنر کرمان در ۱۴ اسفند و بسیاری دیگر از دانشگاه‌های معتبر نیز تا پایان هفته‌ی سوم اسفند ماه اعلام شده‌بود، دانشگاه فردوسی این انتخابات را از ۲۳ اسفند آغاز کرد. زمان‌بندی اجرای ساز و کار انتخابات نیز تاخیر قابل توجهی با برنامه‌ی اعلام شده داشت. امکان درج تبلیغات در بخش رای‌گیری الکترونیکی نیز غیرقابل استفاده بود. جدای از این تاخیر و آشفتگی، مبحث تایید صلاحیت‌ها نیز جای بحث و شک و تامل بسیار دارد. بند یک ماده‌ی یازده آیین‌نامه‌ی تاسیس و فعالیت انجمن‌های علمی دانشجویی مصوب ۹۶/۷/۲۹ تصریح می‌کند اعضای شوراهای مرکزی هرگونه‌ی دیگر از تشکلات دانشجویی (فرهنگی، صنفی، سیاسی و ورزشی) نمی‌توانند در شورای مرکزی انجمن‌های علمی نیز حضور داشته باشند که البته این امر توجه مسئولان را در پی نداشته است. بند سوم همین ماده تاکید دارد مشروطین نیم سال تحصیلی منتهی به انتخابات حق حضور در شورای مرکزی را ندارند که این امر در برخی انجمن‌ها همچون انجمن علوم سیاسی نادیده گرفته شده است. در بند چهارم نیز حق حضور از فارغین از تحصیل سلب شده است. این در شرایطی است که در برخی انجمن‌ها همچون علوم سیاسی، دانشجویان ترم آخر دکتری به شورای مرکزی راه یافته‌اند. بر اساس ماده‌ی ۲۳ این آیین‌نامه، یک ماه پیش از پایان مسئولیت شوراهای مرکزی، هیئت اجرایی انتخابات هر انجمن با حضور یکی از اعضای شورای مرکزی به شرط عدم نامزدی، یک نماینده از شورای هماهنگی دانشگاه و یک نماینده از معاونت فرهنگی باید امور را جهت برگزاری انتخابات به انجام برسانند. این در حالی است که این ماده در دانشگاه نه به شکل انجمنی که به شکل دانشکده‌ای و دانشگاهی انجام شده است و نیز اعضای این هیئت اجرایی به هیچ عنوان اعلام نشده‌اند و نامشخص بوده‌اند. بند ب ماده‌ی ۲۴ مربوط به شرایط اختصاصی شرکت در انتخابات شورای مرکزی است و بیان می‌دارد داوطلب باید یکی از این پنج شرط را داشته باشد: معدلش کمتر از میانگین گروه و یا ۱۴ نباشد، مطلب چاپ شده‌ای در یکی از نشریات برجسته داشته باشد، در تالیف و ترجمه‌ی کتاب مشارکت داشته باشد، در یک ابداع یا اختراع حضور داشته باشد و یا مجری یک طرح پژوهشی باشد. اما بنا به مطالب منتشر شده از سوی هیئت اجرایی، این گروه فقط با توسل به شرط نخست بسیاری از نامزدها را رد صلاحیت کرده است در حالی که آنان از یکی از ۴ شرط دیگر مطروحه برخوردار بودند. البته دلیل برخی دیگر از رد صلاحیت‌ها نیز موارد انضباطی اعلام شده است که در قانون نیامده است. چیزی که مشخص است عدم اجرای کامل قانون برای برخی از داوطلبین و به جای آن اجرای چیزی فراتر از قانون برای گروهی دیگر از نامزدهاست؛ اگر در یک نگاه خوش‌بینانه اسم آن را اعمال سلیقه‌ای قانون بگذاریم.

- دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و صنفی آئینه
- شماره مجوز : ۹۷۳۶۲۰
- شماره ۱۹۲م، نیمه دوم فروردین ۱۳۹۸
- صاحب امتیاز : بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد
- مدیرمسئول : سیدهادی حسینی
- سردبیر : محمدامین علمائی

دبیرهیات تحریریه: محمد جواد کیش بافان

دبیر سرویس فرهنگی : امیر علی وطن دوست

دبیر سرویس سیاسی : مهدی موحد

دبیر سرویس صنفی : سینانصیری

ویراستار : سیدمحمدجوادکیش بافان

آقایان سیدهادی حسینی، مهدی

موحد، امیرعلی وطن دوست، محمدجواد

هاشمیان، ابوالفضل قاسم زاده، محمدمعین

میرحسینی، سید محمدجواد کیش بافان،

علی کیومرثی، محمدرضا حیدری،

رسول خوئی، مرتضی ساعی، علی اصغر

یوسفی، محسن قادری، مرتضی نقره‌ای،

محمدامین سیاح، علی غفاری، ابوالفضل

زرقانی، معین ممدوحی، محسن

عابدان، امیرمهدی لرافشار، علی نظامی،

سینانصیری، حسین سام آرام

خانم‌ها معصومه رسولی، فاطمه

معماریان، فرناز پاک بین، یاسمن لنگری،

یگانه افکار، فاطمه محمدی،

مهشاد رضانی

● تیم طراحان :

حسین فکور یکتا

محمد مهدی سعدآبادی

علی کیومرثی

● بامادرارتباط باشید

همچنین برای بیان انتقادات یا پیشنهادات

و یا ارسال متن های پیشنهادی خود به

ما جهت چاپ در شماره های آتی نشریه،

میتوانید از راه های زیر با ما در تماس

باشید:

● پیامک یا تماس : ۰۹۱۵۰۶۴۲۰۱۴

● آدرس کانال در شبکه های اجتماعی :

● @nashraeeneh

● آدرس کانال رسمی بسیج دانشگاه

فردوسی :

● @basfum

● ارتباط مستقیم با نشریه :

● @aeeneh_admin





داریم_ اختباه_ میزنیم!!



در حالی که در غرب تبلیغات گسترده بر فرزندآوری انجام می‌شود، اما در ایران از نظر برخی سلبریتی‌ها که عادت دارند در هر سوراخی سرگ بکشند بدون اندکی سواد و بصیرت، گویا حیوان خانگی ارجح است! زبان قاصر است از توصیف این همه خودباختگی فرهنگی. تقلید از غرب تا کجا؟

مهدی موحد

ارشد سازه ۹۶



کوچک‌تر که بودیم در کتاب‌های درسی می‌خواندیم که اکثر کشورهای اروپایی با رشد منفی جمعیت روبرو هستند و خانواده‌ها از هم گسسته‌اند. با خواندن این مطالب به خود می‌بالیدیم که در ایران این گونه مشکلات خیلی کم هستند. اما چه شد که در یک بازه زمانی تقریباً ۱۰ ساله ایران در مساله خانواده از این رو به آن رو شد! خصوصاً در شهرهای بزرگ! بر خلاف ما، غربی‌ها با فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری که در این مدت بر روی خانواده انجام دادند بیشتر از ما به سمت جامعه‌اسلامی پیش رفته‌اند. کافران مسلمان! اصطلاح جالبی است.

در حالی که در غرب تبلیغات گسترده بر فرزندآوری انجام می‌شود، اما در ایران از نظر برخی سلبریتی‌ها که عادت دارند در هر سوراخی سرگ بکشند بدون اندکی سواد و بصیرت، گویا حیوان خانگی ارجح است! زبان قاصر است از توصیف این همه خودباختگی فرهنگی. تقلید از غرب تا کجا؟ غربی که خود به بن بست رسیده و حالا در حال تغییر رویه و فرهنگ‌سازی اسلامی است، اما در داخل کشور برخی به اصطلاح روشنفکر، غرب را قبله آمال خود قرار داده و بدون توجه به لجن‌زاری که غرب در آن فرو رفته در حال تقلید کورکورانه از سبک زندگی فاسد شده غربی هستند.

از این تقلید و خودباختگی که بگذریم، اما گویی به غیر از این جریان رسانه‌ای همسو با اهداف دشمن، عده‌ای در کشور کمر همت بسته‌اند تا ارزش خانواده و زن را از بین ببرند. آمار سرسام‌آور طلاق در ایران و از طرفی دیگر کاهش تمایل جوانان به ازدواج بیانگر آن است که اگر فکری برای تسهیل ازدواج و آموزش‌های ضروری پیش از ازدواج برداشته نشود، در آینده نه چندان دور، در ایران نیز دیگر خانواده معنی و مفهوم خود را از دست خواهد داد. افزایش سن ازدواج و برطرف نشدن نیازهای جوانان در چارچوب صحیح و منطقی، به دنبال خود مشکلات بسیاری می‌آفریند. فاجعه ازدواج سفید که به تقلید از سبک زندگی غربی در حال وقوع است، جوانان را تشویق می‌کند که بدون هیچگونه تعهدی در قبال طرف مقابل نیازهای خود را رفع کنند و این یعنی سلب مسئولیت‌پذیری از طرفین و ضربات مهلک جسمی و روانی خصوصاً برای جنس مونث. هم‌چنین سیاست‌های کاهش جمعیت که از اواخر دهه ۶۰ اجرایی شد، ایران را با کاهش چشمگیر نرخ باروری مواجه کرد. کاهش نرخ باروری در ایران طی سی ساله گذشته یکی از سریع‌ترین آمارهای کاهش باروری در تاریخ بشر بوده است.



حال اگر همه این موارد (سیاست کاهش جمعیت، موانع و مشکلات ازدواج، افزایش آمار طلاق و ...) را کنار هم بچینیم به چه می‌رسیم؟ به نظر شما جریانی هدفدار پشت این قضایا پنهان شده یا همه این موارد از بی‌برنامگی و نبود سیاست‌های درست نشأت می‌گیرد؟ آیا جریان نفوذ به صورت کاملاً هدف دار به دنبال فروپاشی بنیان خانواده و کاهش جمعیت ایران اسلامی است؟ به گفته محققین آمریکایی با ادامه این روند در طی سی الی چهل سال آینده تعداد سالخوردگان از کودکان در ایران بیشتر خواهد شد و این یعنی فاجعه، یعنی گرفتن روحیه جهادی و نشاط از جامعه. با کمی تحقیق متوجه می‌شویم که این نرخ کاهش باروری فقط متوجه ایران نیست و کشورهای دیگری همچون اندونزی، الجزایر و مراکش که همگی کشورهای مسلمان هستند را نیز در برمی‌گیرد. پس به نظر نمی‌رسد که این مساله سهوی و از روی بی‌برنامگی باشد. شما چه فکر می‌کنید و از همه مهم‌تر این که جریان نفوذ تا کی می‌تواند پشت نقاب خود پنهان شود و همچون موربانه از درون، کشور را به ورطه سقوط بکشاند؟ و سوال آخر؛ کافران مسلمان یا مسلمانان کافر؟



یک خانواده ی شهید هم اگر خارج چار

سید محمد جواد کیش بافان

مهندسی کامپیوتر ۹۶

حسین سام آرام

ارشد مهندسی پزشکی ۹۴

● شنیده شدن اخباری پیرامون فعالیت های حجت الاسلام مصطفی امینی خواه، نماینده نهاد رهبری در دانشکده ی مهندسی، در فضای رسانه موجب آن شد که برای گرفتن یک مصاحبه ی صمیمی و البته کارآمد خدمت ایشان برسیم و از شون بیشتر بدونیم. ایشان هم لطف کردند و با جواب های کامل و دوستانه ای که به سوالات دادند، امکان یک مصاحبه ی خوب رو برای ما فراهم کردند تا بتوانیم نسبت به فعالیت های فرهنگی، گپی دوستانه بزنیم. پیشنهاد می کنم خواندن این مصاحبه را به هیچ وجه از دست ندهید

● سلبریتی ها حق اظهار نظر درباره ی مسائل سیاسی را ندارند

- نظرتون در رابطه با سلبریتی گری چیست؟ هر سلبریتی بازیگر نیست بلکه هر چهره معروفی سلبریتی نامیده می شود و در مسائلی که به آنها مرتبط نیست دخالت می کنند. سلبریتی ها حاشیه دارند که برای مردم جذاب است. آنها بهتر است در مورد افزایش فالوورها و همچنین تبلیغات از طریق شهرت خود تمرکز کنند، بجای این که در مورد مسائلی همانند بهداشت یا سیاست یا فرهنگی نظر بدهند. آنها در مورد بازیگری که حرفه خودشان است نظر نمی دهند اما در مورد الودگی هوا و گوشت و تخم مرغ و دلار نظر می دهند به صورت کنایه وار و تخریب غرور ملی و بصورت دورویی!

+ در مورد این ها در کتاب اینستاگرام توضیح دادم و البته افراد دیگری هم هستند که در خود فضای مجازی معروف می شوند و نقش آنها را نیز نباید دست کم گرفت! مردم با آشنا و آشناپنداری احساس همزادپنداری دارند! مثل وقتی که مراجعه می کنیم به مغازه و چند برند لاستیک است و می گوییم فلان رو بده! چون فلان برامون آشناست! یا آگه بری امریکا کسی رو که در گذشته باهاش مشکل داشتی پس از ۲۰ سال ببینی مست از بار بیاد بیرون میری بغلش می کنی بخاطر حس آشناپنداری هست؛ یک حس ذاتی هست! یک حس قرابت داریم! مردم با شخصیت های نمایشی و سینمایی زندگی می کنند و با مثلا حضرت والا از سریال بانوی عمارت حس بدی دارند و ممکن است فحشش بدن! مردم هنوز حس نوستالژیک مالک اشتر به داریوش ارجمند دارند! سینما ذهنیت سازی می کند؛ واقعیت سازی می کند.

بستر سینما و ... یک فرد رو عضو خانواده می کند و نمی توان بهش گفت این رو بگو اون رو نگو!!! و این افراد مدیریت می شوند و طرز فکر خاصی دارند! یک سلبریتی گفت: من رو خیلی اذیت می کنند. گفتم شما عضو خانوادشونی بالاخره روی تو حساسیت دارند! و در رابطه با آنها قضاوت می کنند. این افراد خودشان بقیه و همه چیز را قضاوت می کنند اما کسی حق ندارد آنها را قضاوت کند! تلویزیون داره خانواده سازی می کنه و همانند دهکده میشه و همه اشخاص از ماهیت خانواده خود خارج شده و یک شخصیت ثانویه پیدا می کنند! نکته اینجاست که اون آشنایی ذهنی باعث اعتماد مردم به این افراد می شود و چون خلا اطلاعاتی دارند هم به راحتی گول می خورند! و از دست های پشت پرده و جریان ساز خیر ندارند! چرا دلار رفت بالا؟ چرا گوشت گرون شد؟ کی مقصره؟ خب خلا اطلاعاتی دارند اون میاد می اندازه تقصیر نظام.

● پدر احمدی روشن نباید در مسائل غیر مرتبط نظر بدهد

- آگه سلبریتی ها با جریان مذهبی باشند چی؟ آگه با نظام باشن بد هستن و آگه ضد نظام باشن خوبن؟

+ اصل جریان سلبریتی گری به این معناست که مردم به کسی که براشون آشناست توجه می کنند و کاری نمیشه کرد باهاش! چاره ای نیست و کسی که برای مردم آشنا نیست رو کسی به حرفش گوش نمیده! ما نیاز داریم از دهان افراد آشنا با مردم و متخصص، حرفمون رو بزنیم! ما به این معنا سلبریتی را قبول داریم اما سلبریتی به معنایی که صرف شهرت بخواد به اون هویت بده حرف بزنه خیر! این طرف اون طرف هم ندازه واقعا! رجل سیاسی یا خانواده شهید باشه و در مورد مسایل نامربوط به خودش نظر بده اشتباهه! مثلا پدر شهید احمدی روشن در رابطه با سوخت ۲۰ درصد نظر میده چون با رفقای شهید نشست و اطلاعات داره و وجهه داره. اما اگر ایشان در مورد لوایح دوقلو بخواد اظهار نظر کنه درست نیست! همیشه گفت چون از حزب و جناح ماست دیگه ما حرفی نداریم.

● در جریان حمایت تتلو از رئیسی، تتلو هیچ -ودی نبرد

- شما در رابطه با آقای تتلو و ارتباطش با رئیسی گفتید که روایت داریم فردی مشروب خور بوده در صدر اسلام و به سبب ولایتمداری هدایت شده است ...! القای این به مردم که آگه ولایت رو داره دیگه چیزی مهم نیست، هستش! تتلو مصداق این است که هیچ هدفی نداره. اعتقادش اینه که هرچی محبوبیتم بیشتر بشه بهتره و ... هست!

+ یک خاطره از حضرت امام در رابطه با منافقین هست که : این افراد به دنبال جلسه با امام برای پیدا کردن وجهه بودند! امام فرمودند من با شما جلسه نمی دارم اما آگه از این کارها دست بردارید و به اسلام برگردید به جای اینکه شما بیاید پیش من، من میام پیش شما! ای شاخص حقیقت است یا اینکه همه چیز در حد دعوای جناحی تقلیل می یابد؟ جبهه حقیقت برای خودش شاخص، نماد و علامت دارد برای افرادی که در این جبهه هستند. حدیث امام رضا هست در نیشابور: دوست دار آل پیامبر باش حتی اگر فاسقی و دوست داران ال پیامبر را دوست داشته باش حتی اگر فاسقند! معیار حب است.



رچوب حرف بزنند، محکوم می‌کنم

یه وقت دوست داشتنتی هست که طرف داره شیادی می‌کنه و یا یه وقت طرف داره فحش می‌خوره! آدمای بسیار موجه‌تر از تتلو خودشون رو کشیده بودن کنار که فحش نخورند! به نظر من نونی برای تتلو نداشت. نونش واسه تتلو فقط مجوز بود که نگرفت! که رئیسی رای نیارود و ...! البته من این کار رو غلط می‌دونستم. جالب این که خود آقای رئیسی از این کار پشیمان بود و تازه رئیسی ایشون رو نمی‌شناخت و تیمشون آوردش! و بعدا هم به شدت آقای رئیسی پشیمان بود!

از تتلو و امثال او حمایت میکنم

- شما از تتلو دفاع کردید؟ آیا باز هم می‌کنید؟

+ بله افرادی اگر مثل تتلو باشند از شون دفاع می‌کنم در وقتش و پشیمانی ندارد و موضعم فرق ندارد و فضا شناور است و بسته نیست! بری رو به اون طرف هم برنامه عوض میشه! مثلاً آقای رشیدپور از ایشون پرسید برای مجوز این کار رو می‌کنی؟ گفته بود بگم نه دروغه ولی وقتشه به ارزشهامون برگردیم. ازش پرسید فلانی کیه؟ گفت نمی‌دونم. رشیدپور گفت خب این رئیس سازمان انرژی هسته ای هست که واسش اهنگ خوندی. جواب داد خب باشه! یعنی هیچ اطلاعاتی نداره فقط میدونه یه چیزی باید به جا باشه البته این همون ماهی گیری فرد از اب انرژی هسته ای هستش. البته فضای اون روز جامعه همین انرژی هسته‌ای بود! کسی که رای آورده بود شعارش این بود باید چرخ سانتریفیوژ و زندگی مردم با هم بچرخه و این انرژی هسته ای همه‌اش تحریمه و ...! پس در این فضا انرژی هسته‌ای سودی واسه کسی نداشته! صحبت اینه که اگه کسی میاد حرف حق می‌زنه و به خاطر حرف فحش داره بهش هجمه میشه باید ازش دفاع کرد. هر کی که میخواد باشه. دشمن دشمن ما دوست ما است. ما طیف بندی داریم. وقتی کسی داره دشمن رو می‌زنه؛ خوب هم می‌زنه چیکار داری انگیزه‌اش چیه؟! دشمن دشمن یعنی که بیاد دشمن رو تخریب کنه. دشمن ظاهری که تقویت بکنه نه. دشمنی یک وقت بر اساس کینه‌های شخصی هست یه وقت بر اساس معیارهای حقیقته! حداقل اگر شخصی هم هست یک زمینه‌ای داره برای تو ایجاد می‌کنه. ما نمیگیم هدف وسیله رو توجیه می‌کنه. که بگیم چون با او دشمن شده هرکی هم باشه من باهش موافق میشم. البته امیرالمومنین هیچوقت با ابوسفیان متحد نشد یعنی با هرکسی هم دیگه نمیشه متحد شد! اما بعضی وقتا میشه باطل را با باطل زمین گیر کرد! رهبری گفتند کره شمالی تا آخر خط روی ما حساب کنه! در صورتی که حکومتش کمونیست و دیکتاتوری است! اما برای ضربه زدن به امریکا بهش نیاز داریم! سید حمیری کسی که عرق خور و فاسق هست اما چون واسه اهل بیت شعر میگه ازش حمایت کردند! این که شد همون هدف وسیله رو توجیه می‌کنه! بحث من و جناح من نیست. بحث تاثیر گذاری و گفتمان سازی برای ولایت می‌باشد و زدن ولایت طاغوت...! این نگاه ابزاری نیست؛ حقیقت جوینانست! باید این دو مورد رو از هم تفکیک کرد. این که او عاقبتش چی میشه به خود او برمی‌گرده. ما موظف به عاقبت بقیه نیستیم. کما اینکه رهبری هم اینجوری بودند. تو یک دوره‌ای فرمودند هیچکس برای من هاشمی نمیشه. چند سال بعد فرمودند نظر احمدی‌نژاد از هاشمی به من نزدیکتره. حالا خود احمدی‌نژاد کجاست؟

- من الان داشتم نگاتون می‌کردم شما می‌تونید بازیگر بشید!!! عموتون چهل و خورده‌ای سال دارند و بازیگرند...!(خنده حاج آقا)

+ بچه که بودیم تئاترو پانتومیم انجام می‌دادم. توی مدرسه تئاتر و نویسندگی و ... و تا حدودی هم دنبالش رفتیم. قشر ما باید با این ابزار آشتی کنند! نوع مواجهه با دهه ۳۰ و ۴۰ و ۵۰ و حتی ۸۰ فرق دارد. البته این به این معنا نیست که موج‌هایی که میاد ما رو بیره. بعضی ها زمان‌زدگی دارند. با این مخالفم. شما باید شرایط زمانه را بشناسی و بهش جهت بدی و روش سوار بشی.

به اسم جریان سازی وقت خودتون رو در فضای مجازی هدر ندهید

- به عنوان سوال آخر جریان نشریات دانشجویی رو چطوری می‌بینید؟ نقدی پیشنهادی دارید؟

+ فرصت خوبیست. قلم زدن، فکر کردن، مسئله یابی براشون مسئله میشه و یاد می‌گیرند. گفتمان سازی، جریان سازی این‌ها همه اتفاق‌های خوبیه. توی همین‌ها آدم و نیرو و کادر ساخته میشه. اما چیزی که مهمه اینه که دل به ابزارها خوش نکنیم و بریم وسط کار. یک چیز دیگه اینکه بچه های ما ذهن‌ها خوبه و خوش فکرن اما مایه ضعیفه و مطالعه کمه و این قشر و اون قشر هم نداره! حزب‌اللهی و لیبرال همه مون اهل مطالعه نیستیم. این خیلی چیز بدیه. تاریخ و فلسفه و رمان بخونید و فیلم ببینید و آثار متفکرین بزرگ مثل شهیدمطهری، مرحوم صفائی حائری، استاد اصغرطاهرزاده و... رو بخونید. مطالعه رو بالا ببرید. بنده روزی نیست که چند ساعت مطالعه نداشته باشم. من چه بسا با مطالعات سابق بتونم چند سال منبر برم اما مقید کردم خودم رو دست به قلم نشم، منبر نرم، پروژه‌ای رو قبول نکنم و کاری رو شروع نکنم مگر با تفکر و مطالعه! رفقا جدیت بدهند نسبت به این کار. رهبری هم یک بار فرمودند. وقت در تویبتر و لایک و... تلف نکنید! بنده الان نه تویبترم نه اینستا چون می‌بینم بیش از اینکه من به این‌ها بدم این‌ها از من می‌گیرند. گاهی مواقع آدم وقتی وارد اینستا میشه، میبینه چهار ساعتش رفت. خب این چه ضرورتیه؟ به اسم کار فرهنگی و این که در جریان باشم در حالیکه نود و پنج درصدش هیچ ارزشی نداره و هیچی هم آدم یاد نمی‌گیره و فقط وقت آدم تلف میشه. اون جریان سازی با این‌ها اتفاق نمیفته. ما باید مسائل کشور رو بشناسیم و اون نگاه تمدن سازمون رو باید داشته باشیم، در سطح کلان فکر کنیم، بیندیشیم و ببینیم و همه جانبه باشیم و جهانی باشیم. دانشجو لازم داره جهانی فکر کنه و جهانی کار کنه. ما گاهی اوقات حتی در حد محله خودمون هم نمی‌اندیشیم چه برسه به نگاه جهانی. شاه کلید بیانیه رهبری همین نگاه تمدن‌ساز و تمدن‌زای جوان مومن انقلابی بود. این لازمه. گرایش نوین اسلامی که به فکر ساخت تمدن باشد.



مردم غریبه نیستند

ما توقع زیادی نداریم. حقمان است مانند تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا یا حتی کشورهای جهان سوم که رای نماینده مردم برای مردم را بدانیم. غریبه‌ای نیست در این میان



ما توقع زیادی نداریم. حقمان است مانند تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا یا حتی کشورهای جهان سوم که رای نماینده مردم برای مردم را بدانیم. غریبه‌ای نیست در این میان. بر اساس آمارهای بین‌المللی ۷۲ درصد از کشورهای جهان شفاف‌سازی هزینه‌های انتخاباتی نامزدهایشان را قانونی می‌دانند. و طبق گزارشی از بانک جهانی از بین ۸۷ کشور بررسی شده ۵۱ کشور قوانینی برای الزام اعلام عمومی دارایی‌های مسئولین دارند که در این بین ۳۱ کشور الزام اعلام عمومی دارایی‌های بستگان درجه ۱ مسئولین را نیز به تصویب رسانده‌اند. که اسم بعضی از کشورهای خاورمیانه مانند پاکستان هم در این میان به چشم می‌خورد. ما از مسئولین تنها شفافیت رأیشان را خواستیم و عناوین دیگر شفاف‌سازی مانند لیست سفرهای خارجی، محل اقامتشان در آنجا، لیست هدایایی که از اشخاص یا ارگان‌ها دریافت کرده‌اند یا حتی ثبت وعده‌های انتخاباتی که بدون دغدغه عمل، می‌دهند را با اینکه حقمان است فعلاً نمی‌خواهیم. که البته اگر آن هم شفاف بود خیلی از ابهامات حل شده بود و امثال جزایری چپاول را ممکن نمی‌دیدند و نمایندگان هم رشوه را هدیه نمی‌نامیدند. بگذریم. شاید این توقعات زیادی باشد از مجلسی که مشروح مذاکرات صحن علنی‌اش را ۴ سال است منتشر نکرده. شاید اگر لیست اموال این عزیزان منتشر شود به قول شفاف‌ترین منتخمان زخم پاشیدن بر نمک مردم باشد. ولی بدانید که در سیاست گاهی از کشورهای جهان سوم هم عقب‌تریم. و تا زمانی که مردم نخواهند و مطالبه نکنند در این مهم پیش نخواهیم‌رفت و تا سیاست حرکت نکند اقتصاد تکانی نخواهد خورد و معیشت مردم در رکود خواهد ماند.

شاید اگر هر شهر در ایران عزیزمان حداقل یک نماینده صلاحیت در مجلس یا شورای شهرش داشت وضعیت بهتری را در جامعه شاهد بودیم. البته این منظور که نداریم نماینده خوب و شایسته در پارلمان و شوراها کاملاً اشتباه است و از بیان بنده نمی‌توان چنین دروغی اقتباس کرد. و اما سوالی وارد است این که نامزد دارای صلاحیت را از کجا می‌توان شناخت؟ نگاهی می‌اندازیم به آمار جهانی که مردم دیگر کشورها چه معیارهایی برای انتخاب نامزدها دارند. جدای از لیست‌هایی که توسط احزاب معرفی می‌شوند هر فرد به طور واضح قبلاً خودش را معرفی کرده در رسانه‌های مردمی یا دولتی به اجبار یا اختیار. علاوه بر کشورهای پیشرفته‌ای که بعضی، آن‌ها را مدینه فاضله می‌دانند در کشورهای پرحاشیه‌ای مانند کلمبیا که مرکز قاچاق مواد مخدر است سیاست‌های شفاف‌سازی در حال اجرا است. رهبری در این مورد می‌فرمایند: (مسئول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را به طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد، این معنای شفافیت است، باید هم بکنند). شفافیتی که رییس‌جمهور عزیزمان وعده داده بود با در نظر گرفتن معنای وعده از طرف ایشان در حال اجراست بحمدالله. اما شفافیتی که مجلس شورای اسلامی با امضای ۱۶۰ نفر از نمایندگان محترم‌ش قرار به تصویب شد چرا در زمانی که باید به طور رسمی در دستور کار قرار می‌گرفت تنها ۵۰ نفر به فوریت آن رای دادند؟ به معنای اینکه تا پایان دوره مجلس دهم که همین عزیزان سکان‌دارش اند بررسی نخواهد شد. و ما شاهد تحقق این امر نخواهیم بود و آن ۱۱۰ نفری که حرفشان جلوی مردم با خفای مجلس متفاوت است را نخواهیم شناخت.

در کشوری زندگی می‌کنیم که سیاست‌های دریافتی از ملت را بر اساس استانداردهای اروپا برنامه‌ریزی می‌کنند. اما سیاست‌های واریزی را طبق جنوب آفریقا. بعد نتیجه را با خاور میانه مقایسه می‌کنند و ایالت متحده را الگو می‌دانند. منظورم از سیاست‌های فوق، سیاست‌های اقتصادی بود که با مردم در ارتباط مستقیم است و همه به اهمیت آن معترفیم. الزامی درونی داریم در جهت رشد شرایط اقتصادی کشور و همواره دغدغه تکاملش را با حمایت از کالا و کارگر ایرانی و یا اشتغال‌زایی و یا حتی یک توثیت ساده که تلنگری باشد به دست اندر کاران در برنامه‌های خود قرار می‌دهیم. اما در زمینه سیاست خیلی‌ها خود را عقب می‌کشند و سیاست را بی ارتباط می‌دانند با زندگی و با کثیف خواندنش دخالت در آن را بیهوده می‌دانند. ولی فراموش کرده‌اند که همین سیاست اقتصاد را می‌سازد. اصلاً سیاست‌های اقتصادی ترکیب پرکاربرد است که نشان از وابستگی و گره خوردگی این دو مهم می‌دهد. و نمی‌توان از یکی چشم پوشید و برای دیگری عزا گرفت. شرایطی که در جامعه حکم‌فرما است تا حد زیادی نتیجه انتخاب‌های خودمان است. انتخاب‌هایی که گاهی با بازی دادن احساساتمان با عبارت‌های آزادی، آنچنان رونق اقتصادی، دیوارکشی وسط خیابان و خیلی وعده و هراس‌های بدون پشتوانه دیگر تفکر منطقی برای رای را از ما گرفت.

نالہ های مرغ شب آهنگ
قصه‌ی اشعار عرفانی

شعله‌ی پشت مه یک شمع
داستان مرد طوفانی

در نوای ندبه‌ها فریاد
ساکت از چنگِ دلِ جمعه

سازِ کوکِ زخمِ دوران‌ها
مرحمِ امیدِ پنهانی

"شاید این جمعه بیاید" ها
توشه‌ی لب‌های سرد ماست

نقطه‌ی عطفِ حضورِ اما
طولِ عمری بلکه نوحانی!

دست هامان رو به اَسْمَانْد
منتظر، اُبکا و خونِ اَعْيُن

ألا یا منتظر، برگرد!
غروب شام ویرانی

و اَلْعَوْتُ، که یا مَولا
نفس‌ها فی صُدُورِ حبس!

يَا قَائِمِ المَهْدِي
دو شق! مهتابِ نورانی

چه نوکرها که بی‌خواجه
چه بی‌خطابه منبرها

و عَجَلِ وعده‌ی دیدار
و کَسْرِ، کاسِ سفیانی

بخوان! بِسْمِ الطَّلُوعِ الشَّمْسِ
وبگشا فرقِ کوکب‌ها

سر سَجده فرود آرند
دوصد سامِ نریمانی

گدایانِ سر کویت
همانا آيَةُ الإِرْتِنْد!

و نُعْطِيهِمْ زَمَامِ الأَرْضِ
خمبِنی‌ها و حزبِ اللّهِ لبِنانی

نَرَاهُ روز مَوعودت
قریباً، شاید این هفته!

و حَوَّلِ حالنا، آقا
به صبحِ عدلِ ایمانی...

"اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الفِرْج "

شادی قلب نازنین آقا حجة ابن الحسن ارواحنا فداه صلوات

"شاید این جمعه بیاید"

اشاره به شعر نوای حزین معروف مرحوم آغاسی دارد.

فساد در غیبت جمهور

امروز باید سکوت و نپرسیدن های دیروز را جبران کنیم

مرتضی نقره ای

ارشد برنامه درسی ۹۵

این جا است که می‌توان گفت مطالبه‌گری نه تنها ابعاد مختلفی دارد بلکه دارای سطوح مختلفی است. مطالبه‌گری نوعی همدردی با آحاد جامعه است و قطعاً مبارزه‌ای با ساختارهای غلط و فسادزا و افراد خطاکار، مغرض و جریان‌های خیانتکار. امروز دیگر غر زدن از وضع خودرو در کشور و حتی تحریم خرید بعضی از خودروها (که همین هم از پس بعضی‌ها بر نمی‌آید)، تنها گزینه و تنها وظیفه نیست. نمی‌توان از رانت‌هایی که در صنعت خودروسازی وجود دارد صرف‌نظر کرد. امروز بپرسیم که چه رابطه‌ای میان گروه‌های بزرگی نظیر «عظام» و درجا زدن صنعت خودروی کشور وجود دارد؟ امروز باید پرسید اگر رانت در رسانه ملی وجود ندارد پس چرا صدای اهالی ده ونک و کارگران هفت تپه و ... آن گونه که باید به گوش مردم نمی‌رسد؟ امروز باید پرسید که چرا دادگاه برادر رئیس جمهور علنی برگزار نمی‌شود؟ یا اینکه رابطه نماینده ولی فقیه در استان گلستان جناب آیت الله نورمفیدی با شرکت‌های بی‌شمار اقتصادی چوب که بسیاری از بستگان‌شان آن‌ها را اداره می‌کنند چیست؟ امروز باید سکوت و نپرسیدن‌های دیروز را جبران کنیم. امروز باید نه تنها از افراد، بلکه باید از جریاناتی که چنین فضای محافظه‌کارانه‌ای را رقم زده و نقش برجسته مردم در اداره کشور را به محاق برده اند، بپرسیم که مگر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی نمی‌گفت: «فرق مابین انقلاب اسلامی و غیر اسلامی همین است که انقلاب وقتی اسلامی شد توده‌های مردم همراه با آن هستند و وقتی که توده‌های مردم با یک شیئی همراه شوند زود پیش می‌رود و کم فساد است، فسادش کم است»؟ امام صریحاً می‌گوید: «وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشسراها و دانشگاه‌ها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد». پس باید برای نقش و مسئولیت اجتماعی خود، بالاتر از شغل و شأن اجتماعی، ارزش قائل باشیم و به آن به مثابه تکلیف نگاه کنیم. حال که جریانات مختلفی قصد به حاشیه بردن ماهیت مردمی انقلاب را دارند، چه با فساد و آقازاده پروری و چه با حمایت از خصوصی‌سازی و ایجاد رانت و چه با محافظه‌کاری، ماهیت جمهوری را خدشه‌دار کرده‌اند، نباید انتظار داشت ماهیت اسلامی آن زیر سوال نرود؛ زیرا این دو به هم وابسته‌اند. بنابراین برای مبارزه مؤثر در برابر فساد و تبعیض، راه حل، جبران غفلت از «جمهور» و بازگشت به خود جمعی به مثابه «جمهور» است.

مبارزه با فساد برای برقراری عدالت اجتماعی است. «حاکمیت اسلامی و بسط عدالت مطلوب بالذات» است. اما مبارزه با چه روشی؟ شاید اگر مطالبه‌گری را در ابعاد گسترده و نه محدود به تجمعی اعتراضی بدانیم، شیوه مبارزه مطلوبی به خصوص در برابر فساد باشد. بدین معنا که مطالبه‌گری هم اندیشه باشد، هم روحیه و هم عمل. اندیشه است به این معنا که تفکری نقاد و پرسشگر مبتنی بر حقیقت‌جویی و حقیقت‌خواهی و نه اغتشاش و بی بند و باری می‌طلبد. روحیه است، به این معنا که مخالف روحیه بی تفاوتی و «به من چه ربطی دارد» و «به تو چه ربطی دارد» است. و در نهایت عمل است. چون افراد، رفتارها، ساختارها و جریان‌ها را به چالش می‌کشد. روحانی و غیر روحانی و دولتی و غیر دولتی و آشنا و غریبه هم ندارد. مگر پایبندی به «اصول» غیر از پایبندی به اصل برقراری عدالت اجتماعی و رفع تبعیض است؟ مگر اساس «اصلاحات» جز مبارزه با فساد و فقر و انحراف است؟...

اما این مبارزه از کجا شروع می‌شود؟ از خودمان و محیط اطرافمان. از اینکه آیا خودمان حقوق دیگران را رعایت می‌کنیم یا نه. آیا وظیفه و مسئولیت‌مان در قبال بقیه، فقط آزار نرساندن به آن‌هاست؟ اینکه گلیم خودمان را از آب یا «سیل»؟ بیرون بکشیم کافی است؟ یا اینکه حداکثر مثلاً به غذای سلف دانشگاه مان اعتراض کنیم و یا با خواهر، برادر، یا دوستان در مشکلات و غصه‌هایشان همدردی کنیم یا نسبت به دیگران در کار و زندگی روزمره از خودگذشتگی به خرج دهیم؟ (و شاید خودمان را تشویق کنیم برای چنین وجدان‌بیداری). یا اینکه حداکثر خشم اخلاقی‌مان از مشکلات مملکت را در فضای حقیقی یا مجازی با هم به اشتراک می‌گذاریم؟ (و گاهی از این طریق خوب تخلیه می‌شویم) آیا این کفایت می‌کند؟ پایان داستان این است که ما در پایین رود از خشکسالی داد میزنیم، ولی در بالادست گویا عده‌ای مشغول ساختن سد هستند! ما شاهد بودیم در جایی که جمهوری به منصفه ظهور نرسید، عده‌ای در غفلت جمهور، جنگل‌خواری کردند و می‌کنند؛ و باز شاهد بودیم جایی که پس از سیل، تنها امید کشتی‌های به گل نشسته، پس از خدا، تا جایی که چشم کار می‌کرد، مردم بودند و مردم. باید نقد کردن و سوال کردن را تمرین کنیم. اگرچه در مدرسه تشویق نشدیم که بیشتر بپرسیم و نقد کنیم. بیشتر یادگرفتیم که بخوانیم و حفظ کنیم. و باید تمرین کنیم که از خودمان انتظار بیشتری داشته باشیم.



ساخت این فیلم جرم بود!

سید محمد جواد کیش بافان

مهندسی کامپیوتر ۹۶



شامگاه بیست و یکم اسفند درست چند ساعت قبل از اعلام رسمی فیلم‌های اکران نوروز بود که محمدرضا شفاه تهیه کننده فیلم، دیدن این فیلم جرم است را در صفحه شخصیش اعلام کرد دیدن این فیلم جرم شد تا حدس و گمان اکثر بینندگان این فیلم که از قضا طرفدار آن بودند و حتی عوامل فیلم به وقوع پیوند. حتی خود رضا زهتابچیان هم می‌دانست از فیلمی که به دلیل خستگی از دعوای پایان‌ناپذیر دو جناح چپ و راست و ناکارآمدی آن‌ها ساخته است و با نگاه ارزشمند انقلابی هم اصولگرا را میزند و هم اصلاح‌طلب را نباید انتظار اکران داشت و علم به این موضوع را حتی در اسم فیلم نیز گنجانده بود. در روزهایی که سطح سینمای کشور اینقدر تنزل یافته است که فیلمی که فلان پورن استار را نمایش می‌دهد؛ مجوز می‌گیرد و کارگردان‌ها فیلم‌های کم‌دی را با فیلم‌هایی مملو از شوخی‌های سخیف و جنسی اشتباه می‌گیرند به طوری که این رویه متأسفانه به کارگردانی سوپرانقلابی نیز رسیده‌است و به فروش بالایی هم دست می‌یابند و یکی پس از دیگری رکورد می‌شکنند همان بهتر که امثال دیدن این فیلم جرم است مجوز نگیرند و نمایش داده نشوند تا جا برای این فیلم‌ها تنگ نشود. البته ساده‌انگاری است که فرض کنیم این فیلم بیست و یک اسفندماه توقیف شد چون در واقع همان روزی توقیف شد که در جشنواره فجر به نمایش درآمد و شخصیتی آشنا در توییتری نمایش این فیلم را جرم دانست. اما هرچه بود این فیلم توقیف شد و امیدواریم رضا زهتابچیان از این ماجرا درس بگیرد و به جایی که ده سال برای ساخت چنین فیلمی وقت بگذارد و آخر پشت در مجوز بماند با صرف زمانی بسیار کمتر فیلمی کم‌دی با شوخی‌های مستهجن بسازد تا هم به راحتی مجوز دریافت کند و هم به فروش میلیاردی دست یابد و بتواند سود زیادی به جیب بزند.



برای دریافت پادکست QR کد سمت راست را اسکن کنید



این جا صدای دانشجو به گوش شما میرسد

اجبار دانشگاه برای اومدن تا روز بیست و هشتم اسفند

طنز (اپیزود ۵ رسیه ۱)

علی نظامی برق ۹۷ و سعید شهریار

آرشیو بروز نشریات دانشجوئی دانشگاه فردوسی مشهد

اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات

استاد و آئین نامه ها • دستور العمل نشریات دانشگاهی

لیست نشریات فعال

sanad.um.ac.ir

نحوه ثبت آرشیو نشریه

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

نحوه دریافت حمایت مالی

نحوه درخواست مجوز نشریه

آرشیو کامل نشریات دانشجوئی

اخبار و اعلان‌های خانه نشریات